

تقدم علم الصرف و أطوار تطوره

• سيدرضا نجفى

جامعة اصفهان

خلاصة المقال

قد كترت المؤلفات و المصنفات الصرفية طوال تكوين العلوم العربية في العالم الاسلامي و هذه الكثرة دليل على شدة احتياج من يريد ان يفهم النصوص العربية الى هذا العلم، فهل في كل هذه التأليفات جديد لم يكن في غيرها؟ ام ان الجديد غير المادة و هو أسلوب العرض و التناول و الترتيب فموضوع هذا البحث العلمي ترتيب الابواب الصرفية في الكتب الصرفية و النحوية و قد اشرفنا الى المراحل الثلاث التي تطورت و توسعت حتى وصل العلم الى كماله و قد ذكرنا ان علم الصرف كان سابقا جزء من الكتب النحوية و قد كان المؤلف التحوي يهتم بعلم الصرف في بداية كتابه او في نهايته ثم استقل عم النحو و صار علما اصليا كسائر العلوم العربية و كان يسمى بعلم التصريف او الصرف و قد اشرفنا الى معنى اللغوي و الاصطلاحي للصرف كما عدنا الكتب الهامة المولفة و اصحابها.

المصطلحات الرئيسية: الصرف، التقدم، التعلوا.

پیشینه و روند پیشرفت علم صرف

سيدرضا نجفى

استاديار گروه زبان و ادبيات عرب، دانشگاه اصفهان

چکیده

علم صرف از جمله علوم اساسی زبان عربی است که در جهت فهم زبان قرآن رتبه اول اهمیت را خايز است. در بررسی صرفی واژه‌های قرآنی ضرورت داشت برای آشنایی دقیق با یک واژه و دیدگاه‌های گوناگون صاحب‌نظران به کتب صرف مراجعه گردد و در این مراجعات مکرر، به ترتیب و نحوه تألیف و پیشینه و روند پیشرفت علم صرف به نحوی که در این مقاله گزارش شده است، دست می‌یابیم. اگرچه در بعضی از کتب پیشین، علم نحو مقدم بر علم صرف آمده است، لیکن علم صرف دارای تقدم رتبه است، چرا که علم نحو پس از فراهم گشتن ساختمان کلمه و آشنایی با زوایای مختلف یک واژه، به عنوان اصلاح ترکیب و کلام در بین دانشمندان علوم عربی مطرح می‌گردد. آشنایان به زبان عربی و علوم قرآنی، به جویی می‌دانند که مباحث اصلی و ابواب کلی کتب صرف، تقریباً در همه کتب صرف قدیم و جدید وجود دارد و آن چه وجه تمایز این کتب نسبت به یکدیگر است، همان نظم و ترتیب خاص هر کدام از این تألیفات است که لباس نو به مطالب اصلی، پوشانده و آن را متناسب به نیاز زمان عرضه کرده است. در این مقاله، ضمن معرفی علم صرف، چگونگی پیدایش و روند پیشرفت و شمار تألیفات این علم، در دوره‌های مختلف، از زمان ادغام با علم نحو تا مرحله جدایی و بالاخره استقلال کامل، با بررسی وجوه اشتراك و اختلاف هر یک مورد تجزیه و تحلیل و نقد قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت، علم صرف

مقدمه

در بررسی دانش‌های مختلف مربوط به زبان عربی، علم صرف از نظر مراحل رشد و تکامل، از ویژگی خاصی برخوردار است. در بررسی صرفی واژه‌های قرآنی ضرورت داشت برای آشنایی دقیق با یک واژه و دیدگاه‌های گوناگون صاحب‌نظران، به کتب صرف مراجعه گردد. در این مراجعات مکرر، به ترتیب و نحوه تألیف و پیشینه و روند پیشرفت علم صرف به نحوی که در این مقاله گزارش شده است، دست می‌یابیم. در روزگاری علم صرف بخشی از علم نحو بود و دانشجویان و پژوهشگران، مباحث صرف را در کتب نحوی آن هم به‌طور اختصار می‌یافتند. این دسته از کتب نحوی نیز در ارائه مطالب و ترتیب مباحث یکسان نیست؛ بلکه بعضی نحو را مقدم و بعضی صرف را مقدم داشته‌اند، تا این‌که با رواج و توسعه دانش و تخصصی شدن علوم، انگیزه جدایی این دو علم و تفکیک مرز هر کدام به اثبات رسید و علمی به نام تصریف و پس از آن به نام صرف به ظهور رسید. دوران پیدایش علم صرف و تألیفات فراوان آن - که دارای اهمیت ویژه است و مع‌الاسف کمتر به آن پرداخته شده است - در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. در هر مرحله به ویژگی‌ها و آثار آن اشاره شده و تألیفات و مؤلفان جداگانه تحلیل گشته است و ارزش و مکانت این علم در میان علوم عربیت مورد ارزیابی قرار گرفته است.

صرف و تصریف در لغت

«صَرَّفَ» در لغت مصدر فعل «صَرَّفَ» ثلاثی مجرد و واژه «تصریف» «مصدر» «صَرَّفَ» باب تفعیل است، صَرَّفَ و صَرَّفَ از نظر لغوی هر یک بر معانی مشترکی چون تقلیب و تحویل و تغییر دلالت دارد، در کتب لغت می‌خوانیم:

صَرَفْتُ الصَّيْبَانَ: قلبتهم، صَرَفَ اللهُ عُنْكَ الْإِذَى: حوله، تصریف الريح والسحاب: تحویلها من مكان الى مكان، تصريف الايات: تعيينها في اساليب مختلفه و صور متعدده و تبينها (ابن منظور، فیروز آبادی، زبیدی، «ماده صرف»).

به نظر می‌رسد در واژه تصریف، معنی تغییر بیشتر لحاظ شده؛ همان‌گونه که تحویل و تقلیب در واژه صرف گویاتر است.

اما در اصطلاح، واژه تصريف در كتب نحو بیشتر به کار رفته است، ابن جنی گفته است: تقریباً هیچ کتاب نحوی را نمی یابیم جز آن که تصريف در آخر آن جا گرفته است (ابن جنی ۱۳۷۳: ۴).

در آغاز، تصريف به عنوان اسم برای علم صرف برگزیده شد و این انتخاب تصادفی و بدون علت نبود، بلکه به این جهت که در این واژه معنی لغوی کلمه بیشتر، مورد نظر اهل فن بوده است، یعنی همان معنی تغییر یک ساختار به بناء دیگر و یک مثال به مثالی دیگر و در تصريف معنی تغییر بیش از صرف لحاظ شده است. و از دیگر سوی تصريف مفید معنی کاربردی و تمرین است.

و آنگاه که دایره این علم وسعت یافت و بعضی مسایلی که به نظر می رسد اصل تغییر در آنها کم رنگ شده است، در این علم راه یافت، اصطلاح صرف به عنوان نام این علم شهرت یافت، و این تقریباً همزمان با استقلال علم صرف از علم نحو بود (ابن مالک، بی تا: ۳۵۲).

تصريف بیشتر به جنبه عملی این علم یعنی ساخت ابنیه و اشتقاق کلمات، مربوط است در حالی که صرف با طرح اصول کلی و قواعد اصلی و شناخت مفردات، بیشتر رویکردی علمی دارد.

بنابراین، موضوع علم صرف کلمات غربی و حالات مختلف آن همچون اعلال و ادغام و اصالت و زیادت حروف تصرف و جوه و غیره می باشد و هدف از آن شناخت صیغ مختلف واژه های عربی و توانایی ساخت شکل های مختلف از یک ریشه است.

روند پیشرفت علم صرف

علم صرف را می توان از آغاز پیدایش تا وقتی که مباحث آن در حد گسترده ای به ظهور رسید، در سه مرحله مورد بررسی قرار داد:

- ۱ - مرحله ادغام صرف و نحو.
- ۲ - آغاز جدایی و فرایند استقلال علم تصريف.
- ۳ - مرحله تکمیل و پیدایش علم مستقل صرف.

۱- مرحله ادغام صرف و نحو

بدون شک کلام اجزایی دارد که بعضی مربوط به خود کلمه به صورت مفرد است و بعضی مربوط به ارتباط کلمه با دیگر کلمات است، اولی همان علم صرف و تصریف یا کلمه‌شناسی و دومی همان علم نحو و اعراب یا نقش‌شناسی است و به جهت همین ارتباط میان اجزاء کلام است که ادغام مباحث صرف و نحو را در دوره‌ای از ادوار علوم عزیمت می‌یابیم، چرا که این هر دو در حقیقت مکمل صحت نطق براساس قیاس عربی است و بدیهی است که صحت یک بخش، ما را از اصلاح نطق در بخش دیگر بی‌نیاز نمی‌کند و از سوی دیگر، بیشتر این تألیفات هدفشان آموزش صحیح قواعد است، لذا در عرضه مطالب و طرح مباحث با هم تفاوت‌هایی دارند، لیکن در ماده اصلی و امهات قواعد معمولاً اتفاق نظر وجود دارد.

شاید بهترین تعبیر در علت ادغام این دو علم از ابوعلی فارسی باشد آن‌جا که در تعریف علم نحو گفته است: علم بالمقاییس المستنبطه من استقراء کلام العرب (الفارسی: ۸). نحو عبارت است از دانش مقیاس‌های برگرفته از استقراء کلام عرب.

این مرحله علم صرف در بردارنده کتب اصلی نحو است، که مباحث تصریف بدون تفکیک از مباحث نحو به‌طور پراکنده در این گونه کتب جای گرفته است. از جمله کسانی که آثارشان در این دوره و به این سبک به رشته تحریر در آمده است، می‌توان از دانشمندان زیر نام برد: ^۱ سیویه در الکتاب، میرد در مقتضب، ابن السراج در اصول.

دیگر کسانی که مباحث صرف و نحو را در یک کتاب جمع نموده‌اند، عبارتند از: صمیری در تبصره، زمخشری در مفصل، عکبری در لباب، ابن معطی در الفیه، ابن مالک در الفیه وکافیه و تسهیل، ابوحیان در ارتشاف، سیوطی در همع الهوامع.

اگرچه در این تألیفات، تفاوت‌هایی از نظر ترتیب ابواب مباحث صرفی و نیز نکات مشترکی از نظر محتوا و طرح مسائل وجود دارد، لیکن به‌طور کلی پرداختن به مباحث علم صرف در این کتاب‌ها و مانند آن بسیار محدود و اندک است و بخش بسیار کمی از این کتب نحوی به علم تصریف اختصاص پیدا کرده است.

گفتنی است در تألیفات مرحله اول - ادغام صرف و نحو - با دو نوع عرضه مباحث صرفی روبرو می‌شویم:

در کتب گروه اول مباحث صرفی پراکنده و متداخل با نحو آمده است - که شامل آثار سیبویه، مبرد و زمخشری می‌گردد - و در کتب دسته دوم ابواب صرف یک جا و نزدیک به هم گردآوری شده است، این بخش خود دو قسم است: نحو قبل از صرف، و صرف قبل از نحو، بنابراین در این بخش به بررسی آثار بعضی از این مؤلفان در سه بخش می‌پردازیم:

الف - صرف و نحو پراکنده الکتاب سیبویه^۲

به کارگیری اصطلاح تصريف در نزد این گروه، بسیار محدود است و همان است که آن را قیاس لغوی می‌نامند. سیبویه ضمن بیان مسائل مطرح در علم صرف همچون اینیه اسماء و افعال و اعلال، بخش صرف و تصريف را چنین آغاز کرده است:

هذا باب ما بنت العرب من الاسماء و الصفات و الافعال غير المعتله و المعتله و ما قيس من المعتل الذی لا يتكلمون به و لم یجىء فی کلامهم الانظيره من غير ابه و هو الذی یسمیه اللغویون التصريف (سیبویه ۱۹۹۰: ۲۴۲).

سیرافی مقصود سیبویه را در تعریف تصريف چنین شرح می‌دهد: «و أما التصريف فهو تغيير الكلمة بالحركات و الزيادات و القلب للحروف التي رسمنا جوازا حتى تصير على مثال كلمة اخرى» (محمد عبدالمطلب البكاء ۱۹۹۰: ۲۱۰). یعنی: تصريف عبارت است از تغيير واژگان با تغيير حرکات آنها یا افزودن حروف و یا جا به جایی آنها در یک کلمه، بر اساس قواعد مشهور زبان عربی تا آن کلمه مانند کلمه مشابه خود گردد. بنابراین، تصريف نزد سیبویه عبارت است از: تغيير کلمه - چه صحيح و چه معتل - از یک وزن به وزن دیگر، به شیوه و نظم عرب. از این رو، از نظر وی شناخت قوانین بدل،

۲ - سیبویه در روستایی به نام بیضا، در شیراز به دنیا آمد، دروس ابتدایی را در آنجا و یا در شیراز به اتمام رساند و در پی زیاده‌خواهی علمی در نوجوانی به بصره رفت و به جلسات درس فقها و محدثین ملحق گشت و نیز ملازم درس نوریان و لغویان گشت از جمله عیسی بن عمر و اخفش کبیر و یونس بن حبيب و به ویژه ملازم خلیل بن احمد گشت و همه نظریات صرفی و نحوی را از طریق استملا و استفتا فرا گرفت (ضیف: ۵۷).

حذف و قلب، در حقیقت یاری‌رسان علم تصریف است، نه این‌که بخشی از آن به‌شمار آید.

تقریباً همه مباحث علم صرف در الکتاب، مورد بررسی قرار گرفته است. جز آن‌که این مباحث به‌طور پراکنده و هر کدام در جایی قرار گرفته است، که از نظر ترتیب متأخرین پراکنده و آشفته به نظر می‌رسد، لیکن باید دانست که مباحث صرفی نزد سبویه در هر صورت دارای نظم منطقی خاص خود بوده است؛ اگرچه با ترتیب علمای پس از وی سازگاری تام ندارد.

مباحث تصریف نزد سبویه در چهار بخش عرضه شده است:

۱- ابنیه؛ ۲- اعلال و ابدال؛ ۳- قیاس لغوی؛ ۴- ادغام

این چهار بخش از نظر ابواب و مباحث پیوسته و پی‌درپی آمده است و می‌توان دریافت که امام النحاه، سبویه روش واحدی در ارائه مباحث صرفی در نظر داشته است. اولین باب از مباحث صرفی نزد وی مبحث نسبت است (سبویه ۱۹۹۰: ۳۳۵).

وی عنوان اضافه را برای این باب برگزیده است، چرا که نسبت اسم را به وصف تبدیل می‌کند، از دیگر سوی، گویی آخر کلمه را که نسبت به حرف اول و وسط بیشتر در معرض تغییر است، در اولویت قرار داده است. و از این جهت است که بلافاصله پس از نسبت، به بحث افعال مضاعف پرداخته که بررسی تغییر آخر کلمه است (المرجع السابق: ۵۲۹). و پس از آن به تغییرات وسط کلمه، پرداخته که در اسم مضمر متجلی است.

اصولاً از سلسله مباحث پراکنده در الکتاب و ترتیب آن‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که وی به اصل تغییر بسیار تکیه داشته و تلاش نموده مباحثی را گردآوری کند که در بردارنده این اصل است و ابنیه و ساختمان کلمات را تابع اصل تغییر قرار داده است. اصل تغییر، ارتباط مستقیم با نحو و لغت دارد و این دو تغییرات معنوی را مورد نظر قرار می‌دهند و تغییرات صرفی نیز غالباً اثر معنوی دارد.

نکته دیگر در الکتاب این است که مباحث مشترک مربوط به اسم و فعل و حرف را در یک مجموعه قرار داده و سپس مباحث حروف زاید و بدل را به عنوان خاتمه علم صرف ذکر کرده است.

مقتضب مبرد^۳

مبرد، ديگر دانشمند صرفي نحوي اين گروه، تعريفی روشن از علم صرف به دست نداده است، جز آن که از فحوای عباراتش می توان استنباط نمود که آراء وی در این زمینه نزدیک به نظرات سيبويه است. وی را عقیده بر این است که بدل و زیادت و حذف و اینیه، از علم تصريف نیست، بلکه این ها از جمله مباحثی است که در علم تصريف آمده است (مبرد ۱۹۶۳: ۳۵).

مطالب صرفی در کتاب المقتضب با مباحث صرفی در کتاب تفاوت آشکار دارد. ابواب صرف در این کتاب بسیار پراکنده و براساس نظم و ترتیب خاصی گردآوری نشده است. در این کتاب به عنوان مثال، اینیه اسم ثلاثی، مجرد ذکر شده و سپس حروف زاید مطرح و مواضع زیادت هر کدام تشریح گشته است، و سپس حروف بدل و... تا جایی که چنین تصور می شود که مبرد مؤلف کتاب هر کدام از این ابواب را مستقل از هم نوشته و سپس دیگری آن ها را به هم پیوند داده است (المرجع السابق: ۶۱).

گفتنی است مبرد بسیار متأثر از کتاب سيبويه بوده است و ابواب و فصول هر دو کتاب تا حدودی به هم نزدیک و شبیه است و تنها تفاوت آن دو ترتیب مباحث است. البته چهار بحث در هر دو کتاب دازای ترتیب یکسان است و آن عبارت است از تصغیر، نسبت، اماله و ادغام، و ديگر مسایل مانند اینیه، جمله، تشبیه و غیره در هر دو کتاب پراکنده است.

مفصل زمخشری^۴

کتاب مفصل زمخشری کتابی صرفی و نحوی است که مؤلف خود حاشیه ای بر آن نگاشته و این یعیش آن را شرح کرده است. وی کتاب را بدون در نظر گرفتن صرف یا نحو و صرفاً بر اساس انواع سه گانه کلمه و وجوه افتراق و اشتراک آن ها به چهار بخش تقسیم کرده است:

۳ - مبرد، محمد بن یزید ازدی امام نجاه بصره در سال ۲۱۰ هـ. پا به دنیا گذاشت و از آغاز به فراگیری علم لغت نزد بزرگان بصره همت گمارد و به علم صرف و نحو بسیار علاقمند گشت و نزد ابو عتر الجرمی کتاب سيبويه را خواند، و پس از فوت وی به نزد مازنی رفت و مازنی به جهت حس تشبث و استدلالی بودنش لقب مبرد به کسر را به او داد سپس کوفیان از روی سوء نیت او را مبرد به فتح راه تبدیل کردند.

۴ - محمود بن عمر در سال ۴۶۷ در زمخشر روستایی از خوارزم متولد شد و به آن منسوب شد و در آن جا رشد و نمو کرد و از همان کودکی به علوم لغوی و دینی روی آورد و در راه طلب علم به بخاری و بغداد سفر کرد و به مکه رفت و در آن جا کشف را در تفسیر قرآن تألیف نمود. کتاب سيبويه را نزد یکی از علماء نحوی اندلس فرا گرفت و از آن زمان تألیفات فراوانی عرضه نمود. www.SID.ir شهرتی جهانی پیدا کرد. دانشجویان از همه عالم با ادای احترام به منزلت علمی او برای فراگیری دانش به نزد او می آمدند تا آن که در سال ۵۳۸ هـ. جوار رحمت الهی شتافت.

- ۱ - بخشی درباره اسماء که مباحث صرفی آن عبارت است از: مثنی، جمع، مذکر و مؤنث، مضغّر، منسوب، مقصور و ممدود، مشتقات و ابنیه اسماء.
 - ۲ - بخشی درباره ابنیه افعال و معانی آن‌ها.
 - ۳ - بخشی درباره حروف و اقسام آن.
 - ۴ - بخش مشترک میان اسم و فعل، یعنی مباحثی مانند اماله، زیادت، وقف، ابدال، اعلال، ادغام تخفیف همزه، التقاء ساکنین.
- روشن است که براساس این تقسیم پس از خارج کردن بخش حروف که در صرف از آن سخن به میان نمی‌آید، مباحث صرفی تنها در سه بخش کتاب به چشم می‌خورد. زمخشری از نظر صرفی پیرو شیوة آمیزش مباحث صرفی و نحوی است؛ به این معنی که کتاب مستقلی در علم صرف نگاشته و همچون اسلاف خویش مباحث هر دو علم که در حقیقت دارای وجه مشترک اصطلاح نطق عربی و آموزش دستور زبان لغت قرآن است با هم در آمیخته است؛ جز آن‌که وی از میان سه دانشمند معروف این شیوه یعنی سیبویه، مبرد و زمخشری، دارای وضوح بیشتر در ترتیب مباحث است؛ و به نظر می‌رسد ترتیب کتاب زمخشری در ارائه مباحث صرفی همان ترتیب کتاب سیبویه است، با این فرق که زمخشری، در یک کار ابتکاری و بی‌سابقه، بحث را به ترتیب انواع کلمه شروع و طرح کرده است.

ب - نحو قبل از صرف

بیشتر مؤلفان کتاب‌هایی که میان صرف و نحو جمع کرده‌اند، با اندک تفاوتی که در شیوه ارائه مباحث با یکدیگر دارند، از روش تقدم نحو بر صرف پیروی کرده‌اند. برخی از دانشمندان این گروه عبارتند از: علماء زیر نام برد ابن السراج در کتاب اصول؛ صمیری در کتاب تبصره؛ عکبری در کتاب لباب؛ جزولی در کتاب جزولیه؛ ابوعلی شلوین در توطئه؛ سیوطی در همع الهوامع. این گروه نیز در نحوه عرضه مطالب صرفی با هم تفاوت‌هایی دارند که متمرکز در چهار روش است و به نحو ایجاز به آن‌ها اشاره می‌گردد:

روش اول: شیوة ابن‌سراج (ابن‌السراج ۱۹۸۸: ۴۱۵) و صمیری (الصمیری ۱۴۱۴:

۵۸۵)، در این روش مباحث تصریف به چهار بخش تقسیم می‌شده است:

- ۱ - مباحث متعلق به اسماء مانند نسبت، تصغير و جمع.
 - ۲ - مباحث مشترك: میان اسم و فعل مانند اماله، وقف، التفاء. ساکنین:
 - ۳ - ابنیه.
 - ۴ - تصریف که شامل الحاق زیادت، اعلال، ابدال و ادغام می گردد.
- روش دوم: شیوة ابن مالک در الفیه و تسهیل و کافیه. در این روش نیز موضوعات صرف به چهار بخش تقسیم گشته است:

- ۱ - مقدمات.
 - ۲ - تغییر به جهت معنی.
 - ۳ - امور مشترك.
 - ۴ - تصریف.
- روش سوم: شیوة سیوطی در همع الهوامع (السیوطی ۱۴۰۸: ۱۸). موضوعات صرفی این کتاب در چهار بخش به شرح زیر است:

- ۱ - ابنیه کلمات.
 - ۲ - حالات ابنیه.
 - ۳ - حالات آخر کلمه مانند وقف.
 - ۴ - تصریف.
- روش چهارم: شیوة جزولی در جزولیه و ابوعلی شلوین در توطئه، ترتیب مطالب در این کتب چنین است:
- تصغیر، همزة وصل، نسبت، مقصور و ممدود، وقف، جمع، ابنیه، اشتقاق، اماله، تصریف و ادغام.

ج - صرف قبل از نحو

این شیوه یعنی تقدیم مباحث صرفی بر نحو در میان علماء شهرت نداشت. بدون شک یک علت تأخیر در رشد علم صرف، دشواری آن بوده است، علت دیگر آن است که فراگیری آن نسبت به علم نحو، به تعقل بیشتری نیاز دارد. از نظر تسلسل منطقی صرف مربوط به مفردات است و کلمه شناسی و نحو مربوط به صحت

ترکیب کلمات یا نقش‌شناسی است تقدم صرف بر نحو منطقی و ضروری به نظر می‌رسد و بدیهی است که شناخت مفردات تقدم رتبی بر ترکیبات دارد. و همین ادله است که ابوحیان^۵ را بر آن داشت که در کتاب ارتشاف، صرف را بر نحو مقدم دارد. وی در مقدمه می‌گوید: و حصرته - ای موضوع الكتاب - فی جملتین الاولی فی احکام الکلم قبل التركيب و الثانیة فی احکامها حاله التركيب.

۲- جدایی از نحو و پیدایش علم مستقل تصریف

در این مرحله زمینه‌های ظهور علمی مستقل از علم نحو و در یک کتاب جداگانه فراهم آمد. از جمله برجسته‌ترین دانشمندان این گروه که تلاش‌های در خور ستایش در راه تکامل علم صرف داشته‌اند و از خود آثاری گران سنگ بر جای نهاده‌اند، می‌توان از مازنی، ابوعلی فارسی و ابن‌جنی نام برد.

مازنی^۶ در کتاب التصریف همان اقسامی که سیبویه ذکر کرده در هجده قسم آورده است که می‌توان آن‌ها را در چهار بخش اساسی برشمرد:

۱- ابنیه

۲- زیادت

۳- اعلال و ابدال

۴- قیاس لغوی

تفاوت میان سیبویه و مازنی در این است که مازنی ابنیه اسماء مزید را ذکر نکرده و نیز جای بحث ادغام در کتاب او خالی است. در حقیقت مازنی نخواست به بحث جدیدی به کتاب سیبویه بیافزاید، لیکن خواسته آن را به شکل دیگری که مناسب با متعلمین عصر خود باشد، در آورد.

۵- اثیرالدین محمد بن یوسف غرناطی اندلسی در گذشته به سال ۷۴۵ وی شاگرد ابوجعفر بن الزبیر و ابن الضائع در نحو بود و نیز به تفسیر و حدیث و قرأت و تاریخ نیز روی آورد تا در همه آن‌ها به حدکمال رسید در جوانی به شمال آفریقا سفر کرد و در سال ۶۷۹ در قاهره ملازم شاگرد ابن‌مالک یعنی ابن نحاس گشت. تا جایی که کتب وی را از میان تألیفات متأخرین از برترین دانسته‌اند.

۶- بکر بن محمد بن بقیه متولد بصره و بزرگ شده آن‌جا است، از کودکی به جلسات درس نحاء و لغویان و نیز متکلمان می‌رفت کتاب سیبویه را نزد اخفش فرا گرفت و پس از وفاتش تنها دانشمند بصره در صرف و نحو گشت مازنی بسیار باهوش بود در جلسات مناظره شرکت می‌جست و از او آراء بسیاری بر جای ماند که نحویان آن‌ها را نقل می‌کنند.

ابوعلى^۷ كتاب التكملة على الايضاح را به علم صرف اختصاص داد و در اين كتاب يادآورى مى‌كند كه علم نحو عبارت است از علم به مقاييس برگرفته از كلام عرب، «علم بالمقاييس المستنبطه. من استقراء كلام العرب» (الفارسي، بي.تا. ۱۸۱ - ۱۸۲) و بر دو قسم است:

۱ - تغييرات آخر كلمات.

۲ - تغييرات خود كلمات.

وى تغييرات آخر كلمات را به دو نوع تقسيم مى‌كند: تغيير به وسيله حرركات و سكون و يا حروفى كه در اثر عامل به وجود مى‌آيد كه همان اعراب يا مباحث نحو است و قسم دوم تغييراتى كه بدون تغيير عامل ايجاد مى‌گردد مانند ساكن كردن متحركى و يا متحرك كردن ساكنى و يا ابدال حرفى به حرف ديگر يا زيادت حرفى، يا نقصان حرفى و جز اينها.

فارسي تغييرات خود كلمات را جزئى از نحو و در عين حال در مقابل اعراب مى‌داند و هيچ اسمى براى اين بخش پيشنهاد نكرده است و هيچ تقسيمى نيز براى آن ذكر نكرده است، با اين وجود وى اولين كسى است كه اين مباحث را در يك نظم واحد و به ترتيب زير گردآورى كرده است:

التقاء ساكنين، وقف و ابتداء، تخفيف همزه، تثنيه، جمع، نسب، عدد، مقصور و ممدود، مذكر و مؤنث، جمع مكسر، تصغير، مصادر، اتيه افعال، اماله، حروف زايد، ابدال و ادغام. پس اگر بتوانيم اين مباحث را تصريح نام نهم، تعريف آن از سوي فارسي چنين است: «معرفة اواخر الكلم من غير ان يختلف العامل و التغيير الذى يصيب ذوات الكلم.» يعنى: شناخت حالات آخر كلمات، بدون در نظر گرفتن تغيير عامل و تغييراتى كه متوجه خود كلمات است.

و به اين صورت ذر مى‌يابيم كه مفهوم علم تصريح نزد ابوعلى وسعت يافت؛ ليكن هنوز به صورت علم مستقل از نحو نيست، بلكه در مقابل علم اعراب است، البته همين مباحث در كتاب سيبويه نيز مطرح شده است و تنها فرق اين دو در تسميه مجموع اين مباحث است.

۷ - حسن بن احمد بن عبد الغفار پدرش ايرانى و مادرش عربى بود در فسا از توابع استان فارس در سال ۲۸۸ هـ به دنيا آمد از كودكى به دانش روى آورد در سال ۳۰۷ هـ به بغداد كوچ كرد و به جلسات درس بصريانى چون ابن السراج و اخفش مشهور و راجح و ابن ذريرد و نظويه رفت و آمد داشت و نيز جلسات درس بغداديان به ويژه درس ابن الخياط.

ابن جنی^۸ کتاب التصریف المملوکی را تألیف کرد. مفهوم تصریف نزد وی چندان از مفهوم آن در دوره اول دور نیست، وی در تعریف علم تصریف چنین می‌گوید: التصریف انما هو ان تجيء الى الكلمة الواحدة فتصرفها على وجوه شتى مثال ذلك أن تأتي الى ضرب فتبني منه مثل ضرب (ابن جنی ۱۳۷۳: ۴ - ۱۳). یعنی: تصریف آن است که کلمه‌ای را بگیری و آن را به صیغه‌ها و حالت‌های مختلف ببری، مثل آن‌که ریشه «ضرب» را ملحق به رباعی مجرد کرده و از آن «ضرب» بسازی.

تعریف ابن جنی چندان تفاوتی با نظر سیبویه و ابن السراج و مبرد ندارد و بدیهی است مقصود از تصریف در این دوره شناخت قواعد اشتقاق و ابنیه کلام عرب نیست، بلکه کار تصریف در این مرحله عبارت است از ساخت کلمات و ابنیه مختلف و اشتقاق واژه‌ها از یکدیگر و تدوین مثال‌های جدید از ابنیه سابق.

ابن جنی همان تقسیم ابن سراج را گرفته است و تصریف را در پنج بخش مورد بررسی قرار داده است.

۳ - مرحله تکمیل و پیدایش علم مستقلی به نام صرف

در این مرحله علم صرف کامل گشت تا علم مستقلی باشد و تقسیم علم نحو گشت نه قسمی از آن. دانشمندان متأخر نحوی در زمره مرحله سوم روند پیشرفت علم صرف به‌شمار می‌آیند مانند: عبدالقاهر جرجانی، ابن عصفور، ابن الحاجب، ابن مالک و ابن هشام.

تألیفات معاصر علم صرف

علم صرف در حوزه‌های علمیه، اولین علمی است که طلاب علوم دینی با آن آشنا می‌گردند، کتاب‌هایی چون صرف میرسید جرجانی، تصریف زنجانی، شرح نظام ابن حاجب از مشهورترین کتب آموزشی این علم است.

۸ - ابوالفتح عثمان بن جنی موصلی پدرش رومی بود و لقبش تعریب واژه Gennaius یونانی است به سال ۳۲۰ هـ به دنیا آمد و چون پدر نشانه‌های هوش و ذکاوت در وی دید او را به علم‌آموزی روانه ساخت و دیری نپایید که نبوغش در علم لغت آشکار گشت به دروس همشهری خود احمد بن محمد موصلی می‌رفت به گمان قوی وی خیلی زود به بغداد رفت و به همان زودی به موطن بازگشت و در مسجد به طلاب درس می‌داد وی امام نحاء در عصر خود بود و در سال ۳۹۲ هـ وفات یافت.

بدیهی است در عصر حاضر نیز دانشمندان علوم عربی تلاش‌هایی در خور تحسین در علم صرف به جامعه اسلامی عرضه کرده‌اند که بعضی جنبه پژوهشی دارد و بعضی نیز به عنوان کتاب آموزشی تألیف گشته است. دسته‌ای از این تألیفات در کشورهای عربی ضرورتاً برای اهل زبان طراحی گشته و پاره‌ای دیگر در ایران و توسط غیراهل زبان تدوین گشته است و از جهتی بعضی مشتمل بر هر دو علم صرف و نحو است و تعدادی از این آثار خاص علم صرف، یا فقط علم نحو است. در ذیل به بعضی از این آثار اشاره می‌گردد:

تألیفات صرفی نحوی معاصر در کشورهای عربی

ابنیه الصرف فی کتاب سبویه: خدیجه الحدیثی، اوزان الافعال و معانیها: هاشم طه شلاش، تصریف الاسماء: محمد الطنطاوی، شذا العرف فی فن الصرف: احمد الحملاوی، علم الصرف: کمال ابراهیم، فی تصریف الاسماء: عبدالرحمن شاهین، القیاس فی الوان الجموع: عباس ابوالسعود، فی علم الصرف: دکتر امین علی السید، کشف المشکل فی النحو: علی بن سلیمان الحیدره، مبادئ العربیه: رشید الشرتونی، معانی الابنیه فی العربیه: فاضل صالح السامرائی، المعنی فی تصریف الافعال: محمد عبدالخالق عظیمه، المعنی فی علم الصرف: حمید مصطفی، المعنی الجدید فی علم الصرف: هاشم طه شلاش، النحو الوافی: عباس حسن، النحو الواضح: علی الجارم و مصطفی امین، جامع الدروس العربیه: مصطفی غلابینی.

اما تألیفات دستور زبان عربی در عصر حاضر که توسط مؤلفان ایرانی به زبان عربی یا فارسی نگاشته شده است، آن‌ها نیز یا ویژه یک علم است و یا هر دو علم صرف و نحو را به صورت مجزا و یا ترکیبی در بر دارد. برخی از این تألیفات نیز یا بیشتر جنبه آموزشی دارد و بعضی نیز صبغه تحقیقاتی و پژوهشی بر آن‌ها غلبه دارد. پاره‌ای از این آثار در مراکز علمی شهرت یافته و بعضی نیز از محیط جغرافیایی مؤلف پا فراتر نگذاشته است، در ذیل به پاره‌ای از این کتب اشاره می‌گردد:

کتب صرف

اصول الصرف: علی اکبر شهابی، اعلال تفصیلی: محمد حسین روحانی، خودآموز تصریف: سعید سعیدی، زبان قرآن: حمید محمدی، صرف: حسین حسین‌زاده، صرف

برای دانشجو: سید محمد حسین رادمش، صرف ساده: محمدرضا طباطبایی، صرف میزان: جلیل جراثیمی، کتاب الامثله و التصريف: مجمع علمی اسلامی^۱، الکلام اللطیف فی شرح التصريف: سید محمد جواد ذهنی، کتاب التصريف: مجمع علمی اسلامی، مباحث فی علم التصريف: محمود شکیب انصاری، الصرف المیسر: در دو مجلد، سید رضا نجفی.

کتاب نحو

اصول النحو: علی اکبر شهابی، قواعد عربی: سید محمد حسینی، الهدایه فی النحو: مجمع علمی اسلامی، نحو برای دانشجو: سید محمد رادمش، نحو روان: احمد امین شیرازی.

کتاب صرف و نحو

صرف و نحو عربی: مراد زیاحی، صرف و نحو عربی: عباس ماهیار، صرف و نحو عربی: جعفر شعار، قواعد صرف و نحو: جمال زراعی، گامی به سوی قرآن: محمد رضایی، علوم العربیه: حسینی تهرانی، آموزش زبان عربی: آذرتاش آذرنوش، آموزش قواعد صرف و نحو: روح الله قرباتی، صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب: محمد خوانساری، صرف و نحو عربی: ماهیار.

النتیجة

مباحث صرفی پیوسته مورد عنایت دانشمندان قدیم و جدید بوده است. همه هدف علماء صرف و نحو در تدوین قواعد و ضبط کلام عربی، چیزی جز اصلاح نطق و بیان جنبه‌های بیانی و اعجاز زبان قرآن نبوده است. تقدیم نحو بر صرف در کتب قدما، جز به جهت آسان کردن کار متعلمان و آوردن نحو به عنوان تمهیدی بر صرف، نبوده است. چرا که فهم قواعد دشوارش نیازمند درک عقلانی فزونتری است. با بررسی کتب نحوی

۹ - گفتنی است کتاب‌های الامثله و التصريف و الهدایه در اصل جزئی از کتاب جامع المقدمات است که مجمع علمی
SID.ir

و صرفی شش شیوه در ارائه مباحث صرف تا قبل از استقلال این علم از نحو، می یابیم: شیوه ابن سراج که با تألیف کتاب الاصول نام خود را به عنوان پیشوای ترتیب بدیع مباحث صرفی به ثبت رسانده، شیوه زمخشری که برای اولین بار ترتیب ابواب صرفی را براساس اسم و فعل و مباحث مشترک قرار داد، جز آن که مباحث صرفی آمیخته با نحو بود، شیوه ابن حاجب که نسبت به حالات ابنیه کلمه سبکی نو را در ارائه مباحث صرفی بنیاد نهاد، شیوه سیوطی که براساس ابنیه و حالات مختلف کلمات در چهار بخش ابواب صرف را بررسی کرده است، شیوه ابوحیان که از جهت تقدیم صرف بر نحو منحصر به فرد است.^{۱۰}

المصادر و المراجع

ابن جنی، ابوالفتح عثمان. ۱۴۰۳. الخصائص. الطبعة الثالثة. بیروت: عالم الكتب.

_____ ۱۳۷۳. المنصف فی شرح کتاب التصريف. القاهرة: مطبعة مصطفى البابي الحلبي.

ابن حاجب، جمال الدين عثمان بن عمر. ۱۴۱۵. الشافية فی علم التصريف. الطبعة الاولى. مكة المكرمة. ابن السراج، ابوبکر محمد بن السري السهل. ۱۹۸۸. الاصول فی النحو. الطبعة الثالثة. بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن عصفور، علی بن مومن. ۱۹۸۷. الممتع. بیروت: دارالمعرفة.

ابن مالک، محمد بن عبدالله. بی. تا. شرح التصريح علی التوضیح. القاهرة: دارالحياة العربية.

ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم. ۱۴۱۰. لسان العرب. الطبعة الاولى. بیروت: دارصادر.

ابن عییش، موفق الدين، عییش. بی. تا. شرح المفصل. بیروت: عالم الكتب.

_____ ۱۳۹۳. شرح الملوكی فی التصريف. سوريا: المكتبة العربية.

۱۰ - این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی دانشگاه اصفهان به شماره مصوب ۷۳۰۹۱۳ است که منجر به تولید نرم افزار بزرگ اعراب القرآن گشت و در بردارنده تجزیه و ترکیب همه کلمات نورانی قرآن و بررسی واژه ها از نظر صرفی و نحوی است. این نرم افزار جایزه ویژه خادم القرآن را از رئیس جمهور دریافت کرد.

- اندلسی، ابوحيان. ۱۴۰۸. ارتشاف الضرب من لسان العرب. الطبعة الاولى. القاهرة: مطبعة المدني.
- زضى استرابادى. ۱۴۰۲. شرح شافيه ابن حاجب. بيروت: دارلكتب العلمية.
- الرمائى. ۱۴۰۸. شرح الكتاب. القاهرة: مطبعة التضامن.
- الزبيدى، محمد مرتضى. ۱۴۱۴. تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دارالفكر.
- الزمخشري. ۱۳۲۳. المفصل فى علم اللغة العربية. الطبعة الاولى. مصر: مطبعة التقدم.
- سيبويه، ابويشر عمرو ابن عثمان بن قنبر. ۱۹۹۰. الكتاب سيبويه. بيروت: عالم الكتب.
- السيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابوبكر. ۱۴۰۸. همع الموامع. الطبعة الاولى. بيروت: داراكتب العلمية.
- الضميرى. ۱۴۱۴. التبصر هو التذكرة. الطبعة الاولى. مكة المكرمة.
- الفارسى، ابوعلی حسن بن احمد. بی. تا. التكملة. رياض: جامعه الرياض.
- فيروزآبادى، مجدالدين محمد بن يعقوب. بی. تا. القاموس المحيط. بيروت: دارالجيل.
- ميرد، ابوالعباس محمد بن يزيد. ۱۹۶۳. المقتضب. بيروت: عالم الكتب.
- محمد عبدالمطلب البكاء. ۱۹۹۰. منهج ابى سعيد السيرافى فى شرح كتاب سيبويه. بغداد: دارالشؤون الثقافية.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop